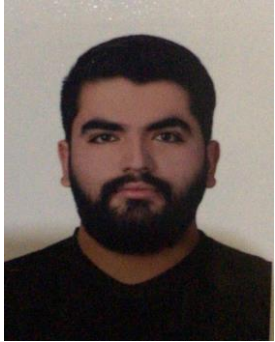




اولین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰



بررسی نقش و جایگاه مدیریت شهری در کیفیت زندگی و ارتقاء آن

رسا صفائی نمین

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران

(drs.rasoulrassa@gmail.com)

رسول صفائی نمین

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

(drs.rasoulrassa@gmail.com)

1

چکیده

ارتقاء کیفیت زندگی شهری هدف مهم بسیاری از برنامه ها و اقدامات و سیاست های شهری می باشد و به عنوان شاخصی برای نقش و نظارت بر عملکرد مدیران و تصمیم گیران شهری مطرح می شود و وظیفه این مهم بر عهده مدیریت شهری می باشد. براین اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش و جایگاه مدیریت شهری در کیفیت زندگی و ارتقاء آن می باشد. پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی بوده و به شیوه ی کتابخانه ایی و با استفاده از کتابها، مقالات و پایگاه های معتبر علمی و پژوهشی انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد مدیریت شهری می تواند با فراهم کردن نیازهای مختلف زندگی شهروندان، کیفیت زندگی آنان را بالا برده و حتی موجبات ارتقا و توسعه آن را نیز فراهم نماید. از این رو مدیریت شهری بهتر از هر نهاد و ارگان دیگری در کیفیت زندگی شهروندان و ارتقای آن نقش دارد. مدیریت شهری بدون برنامه ریزی عقلانی، قادر به کنترل، هدایت و نظارت شهرها و تامین نیازهای ساکنان آن نخواهد بود؛ از این رو مسیر رسیدن به کیفیت زندگی مناسب و ارتقا آن و در پی آن شکوفایی شهری، فرایند پیچیده ای است که جز از طریق افزایش نقش شهروندان در مدیریت و برنامه ریزی شهری، تحقق نخواهد یافت.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، کیفیت زندگی، شاخص عینی، شاخص ذهنی، مشارکت شهروندی



اولین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

مقدمه

ارتقاء کیفیت زندگی شهری هدف مهم بسیاری از برنامه ها و اقدامات و سیاست های شهری می باشد و به عنوان شاخصی برای نقش و نظارت بر عملکرد مدیران و تصمیم گیران شهری تبدیل شده است. وجود مشکلاتی مانند ضعف وسایل حمل و نقل، اقتصاد یا درآمد، اتلاف وقت شهرنشینان در ترافیک، فرصت های کم و موقعیت های شغلی نامناسب، آسیب های اجتماعی، آلودگی ها، تغذیه ناسالم، کمبود فضاهای سبز و ورزشی، کمبود امکانات فرهنگی و اجتماعی، کمبود امنیت و... زندگی در شهرها را با مشکلات عدیده ای مواجه نموده است و لزوم توجه به ارتقای کیفیت زندگی در شهرها بیش از گذشته نمایان است. مفهوم کیفیت زندگی به عنوان یک رشته جداگانه از دهه ۱۹۶۰ میلادی وارد مباحث علمی در اروپای غربی و شمال آمریکا شد (۲۰۱۱، pukeliene) در ادبیات نظری توسعه هم، موضوع کیفیت زندگی از آغاز دهه ۱۹۹۰ به بعد، اهمیت فوق العاده ای یافته و مبنای تمایز و دسته بندی نوین کشورها در سال های اخیر شده است (عنبری، ۱۳۸۹) در حال حاضر، بهبود کیفیت زندگی هدف مشترک جامعه بین المللی می باشد (۲۰۰۱، bloom) با گسترش رویکرد انسانی و ورود مفهوم کیفیت زندگی در پژوهش ها یا نوشته های توسعه پایدار، مراکز و موسسات بسیاری به مطالعه مفهوم کیفیت زندگی، شاخص های سنجش و چگونگی ارتقای آن پرداخته اند (امیدی، ۱۳۸۷) کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی متأثر از زمان، مکان و ارزشهای فردی و اجتماعی است که از یک سو، ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر، ابعاد ذهنی و درونی دارد. از این رو، ارائه ی تعریفی جامع برای آن آسان نیست. با این وجود میتوان گفت که اصولاً کیفیت زندگی مفهومی پیچیده است. از سوی دیگر فراهم نمودن کیفیت زندگی مناسب و ارتقاء آن برای شهروندان مسئله ایی که به عهده مدیریت شهری می باشد. براین اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش و جایگاه مدیریت شهری در کیفیت زندگی و ارتقاء آن می باشد.

اولین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

مبانی نظری

مدیریت

مدیریت هنر استفاده از دیگران در راهبرد امور است و در این راستا نقش هر فرد و توانایی قبول و انجام نقش خودش بسیار مهم است. در تعریف دیگری استفاده درست از منابع موجود برای رسیدن به هدف خاصی و معین است. (سعیدنیا، ۱۳۷۹)

عناصر و وظایف مدیریت

مدیریت به معنای فرآیند انجام کارها به طور اثربخش و کارآمد به وسیله دیگران است. فرآیند نشان دهنده فعالیت‌های اولیه ای است که مدیر آنها را اجرا می کند. این فعالیت ها در اصطلاح مدیریت، وظایف مدیریت می نامند. وظایف مدیریت عبارت اند از: برنامه ریزی، سازمان دهی، رهبری، هماهنگی و کنترل این وظایف به عنوان یک زنجیره تسلسل و لازم و ملزوم یکدیگر هستند و انجام هر یک متأثر از دیگری است. (پرهیزکار و فیروزبخت، ۱۳۹۰)

مدیریت شهری

مفهوم مدیریت شهری در تعاریف کل نگر از مفهوم صرف اداره امور شهر فراتر است و با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مرتبط و نقش فعالی در توسعه ی شهر پیدا می کند. در این نگرش، مدیریت شهری، مسئولیتی استراتژیک است که نتایج و پیامدهای عملیاتی نیز به همراه دارد و به این علت، تعامل آن با حوزه های قدرت، سیاست، اجتماع و اقتصاد شهری اجتناب ناپذیر است (Mc Gill, 1998) مدیریت شهری عبارت است از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر، هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی است (صرافی و همکاران، ۱۳۷۹) مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است (ستاری و همکاران، ۱۳۸۸).

مدیریت شهری به همه نهادها، سازمانها و افرادی گفته میشود که به صورت رسمی و غیر رسمی در فرایند مدیریت شهری اثرگذار هستند؛ مدیریت شهر فقط شهرداری یا شورای شهر نیست بلکه، هر عنصری که در فرایند مدیریتی شهر، اثرگذار است، در این حیطه قرار دارد (لطفی، ۱۳۸۸) در تدوین برنامه های مدیریت توسعه ای و برنامه های منطقه ای و کشوری جایگاه شهر و مدیریت شهری باید به روشنی تبیین و مشخص شود که برنامه های مختلف اجرا شده در سطح شهر، تاثیرگذار هستند یا خیر، و برنامه ها را چگونه باید تدوین کرد که طرحهای توسعه شهری و منطقه ای بدون وقفه اجرا شوند (شبیعه، ۱۳۸۲) مدیریت، عامل اصلی و حیات بخش هر سازمان و نهادی است. مقوله مدیریت بخش لاینفک هر نوع برنامه ریزی است و شاید رکن اصلی آن باشد. از اینرو، میتوان گفت که برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی، کنترل و اصلاح برنامه ها، محسوب میشوند. یکی از مهمترین عناصر مدیریت شهری، شهرداریها هستند. وجود این سازمان ازهنگامی ضرورت یافت که برآورده ساختن نیازهای شهروندان، از عهده تک تک آنها خارج گردید و لازم شد سازمانی این نیازها را بطور مشترک برآورده سازد. برای تشخیص و تعیین وظایف شهرداری در زمینه توسعه پایدار، ابتدا وظایف شهرداری بر حسب سطوح تقسیمات شهری (حریم شهر، شهر، منطقه، ناحیه و محله) تفکیک و احصاء شد. همچنین وظایف شهرداری بر حسب ابعاد توسعه پایدار (اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، زیست محیطی و...) نیز تقسیم بندی گردید. ساختار مدیریت شهری باید مبتنی بر اصولی باشد که در واقع شالوده این ساختار را به وجود می آورند. این اصول را می توان بدین صورت بیان نمود: اصل تربیت شهری و آموزش شهروندی؛ اصل نظریاتی مداوم از شهروندان؛ اصل ضوابط مدون و منتشر شده برای آگاهی و راهنمایی

اولین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

شهروندان؛ اصل رعایت بعد زمان در اقدامات و اجرای امور؛ اصل بازبینی و تجدیدنظر در اقدامات انجام شده در پندآموزی از تجربه های گذشته (اکبری نسب، ۱۳۹۳) در واقع «مسئله ی اصلی مدیریت شهری، این است که چگونه بهره وری را بالا ببریم؛ در عین حال به طور مستقیم، فقر فزاینده ی شهری را مرتفع نموده و عدالت را بهبود بخشیم (حسین زاده دلیر و همکاران، ۱۳۹۱). در مجموع می توان اینگونه عنوان نمود که، مدیریت شهری، شیوه اداره شهر است که در جوامع گوناگون و با توجه به فرهنگ های متفاوت، تعاریف متعددی را می توان برای آن ارائه نمود. مدیریت شهری با توجه به ویژگی هایی از قبیل جدید بودن، میان رشته ای بودن و... دارای تعریف واحد و مورد قبول تمام صاحب نظران نبوده و از کشوری به کشور دیگر متفاوت تعریف می گردد.

تعریف و مفهوم کیفیت زندگی شهری

محققان بر این باورند که اصطلاح کیفیت زندگی، مانند مفهوم توسعه تا اندازه ای مبهم است. از یک سو کیفیت زندگی فردی به عنوان پنداشتی از چگونگی گذران فرد مطرح می شود و از بعدی کلی تر در بر گیرنده موقعیت های زندگی در مکان های مختلف حول عاملی مشخص اند، این موقعیت ها عبارتند از محیط پیرامونی و یا فرهنگ در جامعه ای معین (Pal ۲۰۰۵)، گفته می شود که کیفیت زندگی مناسب ترین فرصت برای مطالعه رابطه انسان و محیط زندگی اش را در اختیار محققان قرار می دهد (Pacione, ۲۰۰۳). به طور کلی می توان گفت که مفهوم «کیفیت محیط زندگی» و یا «کیفیت زندگی شهری» با هدف اصلاح و تکامل مفهوم توسعه از توسعه صرف کمی و اقتصادی به توسعه پایدار شهری مطرح و مورد توجه قرار گرفت. در واقع این مفهوم پاسخی به توسعه صرف اقتصادی در مقیاس ملی و توسعه صرف کالبدی در مقیاس شهری بود و به نوعی موید توجه به شاخص ها و معیارهای اجتماعی، کیفی و اقتصادی پایدار در عرصه برنامه ریزی شهری و در تعامل با شاخص های کالبدی - کارکردی است (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۴)

مفهوم کیفیت در مقابل مفهوم کمیت قرار می گیرد. کمیت را یک مفهوم فیزیکی و قابل برآورد دانسته و کیفیت را مفهومی انتزاعی می دانند. به طوری کلی کیفیت و کمیت دو روی یک سکه اند که از یک طرف با هم در تضاد هستند و از طرف دیگر نمی توان یکی را بدون دیگری تصور کرد. اندازه، میزان و جنسیت پدیده و یا سامانه و... که قابل اندازه گیری است و با اعداد بیان می شود را کمیت گویند. به عبارت دیگر کمیت هر پدیده، تظاهر بیرونی و خنثای آن می باشد. اما کیفیت چگونگی یک پدیده است که تأثیر عاطفی و عقلانی خاصی بر انسان می گذارد و خاصیت ها و ویژگی های اصلی یک چیز را بیان می کند (لطفی، ۱۳۸۸) واژه کیفیت زندگی سرچشمه روشنی ندارد. کیفیت زندگی اگر چه جذابیت و معنی عام دارد، یک تعریف پذیرفته عام ندارد. هر عبارتی که در تعریف کیفیت زندگی به کار رود، کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی و دریافت ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و نیز از خودش وابسته است (Eziyi and Amole, 2013) مفهوم کیفیت زندگی چند مشخصه جالب توجه دارد:

الف: تنها به زندگی انسانی ارجاع دارد.

ب: به ندرت در (صیغه) جمع به کار رفته (یعنی به صورت کیفیات زندگی) است.

ج: به عنوان یک عبارت عام و غیر قابل تقسیم می باشد که معنایش می تواند ناب و خالص باشد. د: مشکل است که آن را به هر رده مجزا از علوم مرتبط با جامعه شناسی طبقه بندی نمود (وظیفه دوست و امینی، ۱۳۸۸)

اصولاً، کیفیت زندگی، واژه ای پیچیده، چندبعدی و کیفی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله، بخش و...) است که هم متکی به شاخص های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص های عینی یا کمی است (Mc crea et al, 2004)

اولین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

جدول ۱- رویکردهای سنجش کیفیت زندگی

ایراد	تأکید	روش سنجش کیفیت زندگی
پایایی پایین	سنجش امکانات، تجهیزات و شرایط بیرونی	عینی
قابلیت اطمینان پایین	ادراکات فردی و جمعی از کیفیت زندگی	ذهنی
وابستگی به ترکیب شاخصهای ذهنی و عینی	ترکیبی از حقایق خارجی و ذهنیهای فردی	عینی و ذهنی

(شفیعا و همکاران، ۱۳۹۲)

رویکردهای مربوط به کیفیت زندگی

از تحقیقاتی که درباره کیفیت زندگی انجام شده است می توان چنین برداشت کرد سه رویکرد مختلف در کشورهای مختلف دنیا به وجود آمده است:

(الف) رویکرد اول: اسکاندیناویایی: این رویکرد، رویکردی است که در اکثر کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای اسکاندیناوی طرفدار دارد. در این رویکرد بر شرایط عینی زندگی و معرفیهای مرتبط با آن تأکید شده و کیفیت زندگی افراد در گرو تأمین نیازهای اولیه زندگی است.

(ب) رویکرد دوم: آمریکایی: در بیشتر تحقیقاتی که در کشور آمریکا روی کیفیت زندگی انجام شده است، محققان بیشتر تجارب ذهنی افراد از زندگیشان توجه بر معرف های ذهنی تأکید کرده اند. در این رویکرد از رضایتمندی و خوشبختی به عنوان معرف های اصلی یاد می شود.

(ج) رویکرد سوم: در کنار این دو رویکرد، رویکردی نیز وجود دارد که هم بر ابعاد عینی زندگی و هم ذهنی آن تأکید می کنند که برای نمونه میتوان به روشهای اقتصادی - اجتماعی ارزیابی کیفیت زندگی اشاره کرد (غیاثوند، ۱۳۸۸).

ویژگی های شاخص های کیفیت زندگی

علیرغم ابهام و اختلاف نظرهایی که در تعریف کیفیت زندگی وجود دارد، تمام پژوهشهای کیفیت زندگی، در دو سرفصل شاخصهای عینی و شاخصهای ذهنی انجام میشوند. در این میان رویکردهای ذهنی از پیمایش ادراکات، ارزیابیها و رضایت ساکنان از زندگی شهری به دست می آیند. کیفیت ذهنی زندگی، ادراک مردم از وضعیت زندگیشان را منعکس می سازد و با استفاده از شاخصهای ذهنی اندازه گیری می شود. شاخصهای ذهنی بر اساس چگونگی درک و توصیف مردم از وضع خود استوار هستند و برای ارزیابی افراد از وضعیت عینی زندگی استفاده می شوند. این شاخصها مبتنی بر گزارشهای شخصی افراد از ادراکاتشان در مورد جنبه های مختلف زندگی است و میزان رضایت افراد و گروهها را از تأمین نیازهایشان مورد بررسی قرار میدهد. این شاخصهای مکمل که متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی هستند، ادراکات و ارزشیابی های افراد را از وضعیت عینی و ملموس زندگیشان نمایش میدهد. در حالی که شاخصهای عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند و غالباً از داده های ثانویه به دست می آیند (رهنما، ۱۳۷۹). شاخص های کیفیت

اولین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

زندگی مشتق علمی و منعکس کننده کلی احساس نه تنها فرد بلکه تمامی شهروندان است. بنابراین ذهنیت به حداقل رسیده و یا حذف شده و در مجموع با استفاده از روش پذیرفته، کنترل، تمرین، و بررسی شده است. (Young, 2008).

استفاده از شاخص های اجتماعی و ذهنی با هم، برای سیاست گذاران یک ارزیابی دقیق از کیفیت زندگی لازم است. شاخص اقتصادی، ذهنی و اجتماعی همه می توانند باعث بهبودی در کیفیت زندگی جامعه، و همچنین به عنوان عوامل خاص رفاه را تحت تاثیر قرار دهد (Diener and Eunkook, 1997). شاخص های کیفیت زندگی ارائه اندازه گیری های مهم به "مستقیم" در شرایط زندگی مردم و احساسات آنها است که بر خلاف اقدامات اقتصادی و دیگر داده های "غیر مستقیم" شاخص کیفیت زندگی را شناسایی کرده، آنها عواملی مهم در کیفیت زندگی هستند (Young, 2008). شاخص های کیفیت زندگی عبارتند از:

الف: کیفیت محیط فیزیکی ب: کیفیت محیط اجتماعی ج: کیفیت محیط اقتصادی د: کیفیت حمل و نقل و ارتباطات در ادامه هر کدام از این ابعاد به موضوعات دیگر تقسیم بندی شدند. الف: کیفیت محیط فیزیکی: ترتیب ساختمان ها، نوع مسکن، مناطق سبز، مناطق تفریحی، خدمات و زیر ساخت های شهری ب: کیفیت محیط اجتماعی: میزان خدمات آموزشی، هزینه خدمات آموزشی، میزان خدمات بهداشتی، فعالیت های فرهنگی، امنیت ج: کیفیت محیط اقتصادی: هزینه زندگی، فرصت پیدا کردن کار رضایت بخش، هزینه مسکن کیفیت حمل و نقل: وسیله حمل و نقل، میزان حمل و نقل عمومی، جریان ترافیک (لطفی، ۱۳۸۸)

6

پیشینه تحقیق

مجتبی زاده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان (مطالعه موردی: منطقه ۷ شهر تهران) عنوان نمودند بالاترین هدف توسعه و مدیریت شهری، بهبود کیفیت زندگی و خوشبختی شهروندان است؛ حال آنکه کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است و جنبه های مختلفی را در بر می گیرد. کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم ذهنی مبتنی بر ارزش ها و تمایلات فردی در ارتباط با میزان رضایت مندی از زندگی در نظر گرفته شده است. شاخص های عینی به جنبه های عینی و قابل لمس زندگی شهری مربوط می شوند و در ابعاد مختلف قابل تعریف می باشند. در این پژوهش تلاش می شود ضمن بررسی رابطه، میزان اثر گذاری عملکرد مدیریت شهری (شهرداری)، به کیفیت زندگی از نگاه شهروندان مورد مطالعه قرار گیرد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی برای گردآوری اطلاعات به روش میدانی (پرسشنامه)، از ساکنان منطقه پرسشگری به عمل آمد. برای تحلیل فرضیات از آزمون هایی نظیر اسپرمن و فریدمن استفاده شده است. نتایج نشان می دهد بین متغیرهای مدیریت شهری و کیفیت زندگی شهروندان با ضریب ۰.۵۹۹ همبستگی مثبت وجود دارد. برای رتبه بندی شاخص های مدیریت شهری از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج نشان داد بین شاخص های مدیریت شهری اختلاف معناداری وجود دارد و خدمات شهری با ۲.۵۱ نسبت به سایر شاخص ها در رتبه بالاتر قرار دارد. در نهایت راه کارهایی چون؛ جمع آوری بموقع زباله، توجه به چیدمان مبلمان شهری، بهسازی و نوسازی آسفالت، مناسب سازی معابر برای معلولین و... در منطقه مورد مطالعه پیشنهاد شد.

پورا احمد و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط میان عملکرد مدیریت شهری و کیفیت زندگی در شهر جدید مهاجران عنوان نمودند بالاترین هدف توسعه و مدیریت شهری، بهبود کیفیت زندگی شهروندان است. حال آنکه کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است و جنبه های مختلفی را در بر می گیرد. با توجه به اینکه یکی از دلایل شکل گیری شهرهای جدید ایران، طراحی محیطی مطلوب برای ساکنان آن بوده، پیگیری این موضوع که عملکرد مدیریت شهری تا چه میزان توانسته است رضایت مندی شهروندان را فراهم نماید، می تواند مورد توجه قرار گیرد. بنابراین در این پژوهش سعی بر این است که ضمن بررسی رابطه، میزان اثرگذاری عملکرد مدیریت شهری بر کیفیت زندگی از نگاه شهروندان مورد مطالعه قرار گیرد. روش

اولین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و پیمایشی می باشد. جامعه آماری در این پژوهش ساکنان شهر جدید مهاجران است که با استفاده از فرمول کوکران ۳۱۷ نفر نمونه انتخاب و پرسشنامه بین آنها توزیع شده است. نتایج پژوهش گویای آن است که رابطه ی معناداری بین عملکرد مدیریت شهری و کیفیت کلی زندگی از دیدگاه شهروندان با ضریب همبستگی ۰.۱۷۴ وجود دارد.

یوسفی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان سنجش کیفیت زندگی شهری در سطح محلات مطالعه موردی: شهرکنگاور عنوان نمودند؛ هدف از پژوهش حاضر سنجش میزان رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی در شهر کنگاور در استان کرمانشاه می باشد. در این پژوهش عوامل موثر بر کیفیت زندگی از جمله عوامل اجتماعی اقتصادی و کالبدی در سطح محلات و همچنین تاثیر عوامل ذهنی کیفیت زندگی احساس امنیت، اعتماد، رضایت از زندگی و ... عوامل عینی کیفیت زندگی، درآمد اشتغال مسکن دسترسی به خدمات و ... بر رضایتمندی شهروندان شهر کنگاور از زندگی مورد بررسی قرار می گیرد. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر تفاوت در رضایتمندی شهروندان از میزان کیفیت زندگی در سطح محلات و اهمیت عوامل موثر بر کیفیت زندگی عینی و کیفیت زندگی ذهنی می باشد. جامعه مورد مطالعه شهر کنگاور با جمعیت ۵۴۴۱۲ نفر و ۱۳۹۶۶ خانوار و حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۱۸۱ خانوار بوده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی است جمع آوری داده ها به شیوه کتابخانه ای، اسنادی، نقشه، عکس هوایی و... و میدانی مشاهده پرسشنامه و مصاحبه و تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS، Excel و ArcGIS صورت گرفته است.

7

لطفی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان ارزیابی کیفیت زندگی شهری با استفاده از روش تصمیم گیری چند معیاره (مطالعه موردی: نواحی شهر یاسوج) عنوان نمودند امروزه کیفیت زندگی شهری به عنوان کلیدی ترین مفهوم در برنامه ریزی شهری است. بر این اساس در بسیاری از کشورهای توسعه یافته برنامه ریزان در تلاش برای نمایش سطوح کیفیت زندگی در سطوح مختلف جغرافیایی هستند تا از این طریق بتوانند راهکارهای بهینه ای را برای بهبود کیفیت زندگی نواحی عقب مانده از نظر شاخص های مورد بررسی بیابند. در مطالعه حاضر، کیفیت زندگی به عنوان بر هم کنش میان منابع، امکانات و فرصت های فراهم شده برای تامین نیازهای انسانی و همچنین دریافت، ارزیابی و رضایت افراد و گروهها از برآورد شدن نیازهایشان در یک مکان خاص در نظر گرفته شده است. هدف از این مقاله، بررسی و ارزیابی کیفیت زندگی شهروندان و نابرابری این سطح کیفیت در سطح ناحیه ای در شهر یاسوج است. روش پژوهش در این تحقیق توصیفی - تحلیلی است که از طریق اسناد و مدارک موجود با استفاده از روش کتابخانه ای و پرسشنامه ای اطلاعات حاصله را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. برای شناخت سطح کیفیت ناحیه ای ۲۱ شاخص مورد بررسی از طریق مدل آنتروپی شانون وزن دهی شده و در این راستا، تاپسیس به عنوان روش تصمیم گیری چند شاخصه ای استفاده شده است. بر مبنای یافته های تحقیق نواحی شهر در سه سطح برخوردار، نیمه برخوردار و متوسط، و محروم و یا فرو برخوردار طبقه بندی شده اند. نتایج نشان می دهند که در میان ناحیه های شهر یاسوج ناحیه ۴ با ضریب اولویت ۰/۰۴ در پایین ترین سطح برخوردار قرار گرفته، و ناحیه های ۱ و ۳ هر کدام در ضریب ۰/۰۴۸ و ۰/۰۴۳ در سطحی نزدیک به یکدیگر در سطح دوم و یا نیمه برخوردار و ناحیه ۲ با برخورداری کامل در سطح و با ضریب ۰/۰۸۹ در ناحیه ها قرار دارند. یافته های تحقیق می تواند به پیشبرد مطالعات زندگی شهری کمک نماید.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر نوع توصیفی - تحلیلی می باشد. از این رو داده ها و اطلاعات مورد نیاز آن از طریق کتابخانه و با استفاده از کتابها، مقالات و پایگاه های معتبر علمی و پژوهشی گردآوری شده است.

اولین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

بحث و نتیجه گیری

امروزه از مهمترین نیازهای ساکنان شهرها داشتن زندگی آرام و با کیفیت است. کیفیتی که جنبه های مختلف عینی و ذهنی را در بر می گیرد. و تامین این مهم به عهده مدیریت شهری می باشد. مدیریت شهری در ایران با مسائل متعددی روبرو است. به گونه ایی که تلاش های صورت گرفته نیز تاکنون نتوانسته شهرداری را به سطح مدیریت جامع شهری برساند. مهمترین مسائل اداره شهرها از دیدگاه شهرداری، تامین برخی نیازهای عمومی شهر است. مدیریت، عامل اصلی و حیات بخش هر سازمان و نهادی است. مدیریت شهری در شهرها عهده دار موضوعات مرتبط با حیات شهری است، آنگاه ایجاد شهری مناسب زندگی حال و آینده شهروندان یعنی ایجاد شهر پایدار، مأموریت خطیر و الزام آور مدیریت شهری محسوب می گردد. زیرا از مهمترین اهداف توسعه و مدیریت شهری، بهبود کیفیت زندگی و خوشبختی شهروندان است؛ حال آنکه کیفیت زندگی همانطور که مطرح شد مفهومی چند بعدی است و جنبه های مختلفی را در بر می گیرد. از این رو مدیریت شهری با فراهم آوردن امکانات و خدمات زیربنایی در شهرها میتواند در چشم انداز زندگی شهروندان ایفای نقش نماید. کیفیت زندگی شهری با عنوان زندگی راحت و دسترسی به نیازهای اساسی در یک محیط شهری تلقی می شود. در واقع این مفهوم به معنای قابلیت زندگی در یک مکان مطرح شده و نقطه شروع توسعه اجتماعات انسانی و شکل گرفتن درک درستی از نیازهای مردم می باشد. مدیریت شهری می تواند با فراهم کردن نیازهای مختلف زندگی شهروندان، کیفیت زندگی آنان را بالا برده و حتی موجبات ارتقا و توسعه آن را نیز فراهم نماید. از این رو مدیریت شهری بهتر از هر نهاد و ارگان دیگری در کیفیت زندگی شهروندان و ارتقای آن نقش دارد. از این رو مدیریت شهری بدون برنامه ریزی عقلانی، قادر به کنترل، هدایت و نظارت شهرها و تامین نیازهای ساکنان آن نخواهد بود؛ از این رو مسیر رسیدن به کیفیت زندگی مناسب و ارتقا آن و در پی آن شکوفایی شهری، فرایند پیچیده ای است که جز از طریق افزایش نقش شهروندان در مدیریت و برنامه ریزی شهری، تحقق نخواهد یافت. در این ارتباط راهکارهای زیر را می توان جهت ارتقا کیفیت زندگی ارائه نمود:

- اجرای طرح بهسازی و نوسازی ساختمان های فرسوده و نامقاوم با ارائه تسهیلات بانکی و روش های تشویقی
- تمرکززدایی در توزیع خدمات مبتنی بر تقسیمات فضایی شهری در راستای عدم تجمع امکانات و خدمات در قسمت هایی از شهر و جلوگیری از دو قطبی شدن و تضاد طبقاتی
- تقویت و اصلاح سیاست های مدیریت شهری در جهت دستیابی به عدالت در توسعه مناطق
- تقویت و بهبود خدمات شهری از جمله افزایش تعداد مراکز فرهنگی مانند کتابخانه ها و سالن های مطالعه، مراکز گذران اوقات فراغت مانند پارک و فضای سبز و غیره برای شهروندان

منابع

- اکبری نسب، سی دیوسف (۱۳۹۳) الزامات شاخصهای توسعه پایدار شهری، پایگاه مقالات علمی مدیری.ت.
- امیدی، امید، (۱۳۸۶)، کیفیت زندگی در برنامه های توسعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی و رفاه اجتماعی، استاد راهنما: غلامرضا غفاری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پرهیزکار، اکبر و علی فیروزبخت (۱۳۹۰) چشمانداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری، فصلنامه جغرافیای سرزمین، سال هشتم، شماره ۱۳، ۶۶-۰۱.
- پوراحمد، احمد و حمزه پور، زرگار و محمدی کاظم آبادی، لیللا، (۱۳۹۴)، بررسی ارتباط میان عملکرد مدیریت شهری و کیفیت زندگی در شهر جدید مهاجران، اولین کنگره بین المللی زمین، فضا و انرژی پاک، اردبیل



اولین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

حسین زاده دلی، کریمی و محمد اکبریور و محمدحسین حسینی؛ (۱۳۹۱) مدیریت شهری در شهرهای میانی ایران، فصلنامه ی فضای جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۱۱

ستاری ساربانقلی، حسن و حسین ذبیحی. (۱۳۸۸) نگرشی بر مفهوم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم در شهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شهر در شهر اسلامی، مجله ی فرا سوی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۰، پاییز.

سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹) مدیریت شهری، جلد یازدهم، تهران: سازمان شهرداریهای کشور.
شفیعا، س.، شفیعا، م. و کاظمیان، غ. (۱۳۹۲) فراتحلیل روش و نتایج پژوهشهای کیفیت زندگی شهری در ایران. فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۴، شماره، ۵۰ پیاپی

شعبه، اسماعیل. (۱۳۸۲) لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله ی جغرافیا و توسعه، زاهدان

صراف، مظفر و همکاران. (۱۳۷۹) مفهوم مبانی و چالشهای مدیریت شهری، فصلنامه ی مدیریت شهری، شماره، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.

عبری، موسی، (۱۳۸۹) بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران (۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵)، فصلنامه توسعه روستایی، دوره اول، ۷

9

غیاثوند، الهام، (۱۳۸۸)، تأثیر سرمایه های اجتماعی بر کیفیت زندگی، فصلنامه مهندس مشاور، شماره ۴
کوکبی، افشین، پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۴). برنامه ریزی کیفی زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخصها، جستارهای شهرسازی، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۲-

لطفی، صدیقه (۱۳۸۸). مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم، ۸۰-۶۵.

لطفی، صدیقه، صابری، سجاد (۱۳۹۱)، ارزیابی کیفیت زندگی شهری با استفاده از روش تصمیم گیری چند معیاره (مطالعه موردی: نواحی شهر یاسوج)، جغرافیا و مطالعات محیطی، دوره ۱، شماره ۴ - شماره پیاپی ۴، زمستان ۱۳۹۱

مجتبی زاده خانقاهی، حسین، آزادی، زیور (۱۳۹۴)، نقش مدیریت شهری در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان (مطالعه موردی: منطقه ۷ شهر تهران)، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، دوره ۵، شماره ۲- شماره پیاپی ۱۸، بهار ۱۳۹۴

وظیفه دوست، حسین و امینی، مهدی (۱۳۸۸) بررسی میزان اهمیت شاخصهای کیفیت زندگی شهری: ازدیدگاه مدیران و متخصصان مدیریت شهری، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال اول، شماره سوم، ۱۸-۱.

یوسفی ایل ذوله، مریم و شمس، مجید و ترکاشوند، محمد قاسم، ۱۳۹۴، سنجش میزان رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی: شهر کنگاور)، اولین کنفرانس بین المللی علوم جغرافیایی، آباده

Bloom, D.E., Craig, P.H., Malaney, P.N., (2001). The Quality of Life in Rural Asia. Oxford University Press, Hong Kong.

Diener, E, Eunkook, S (1997): Measuring quality of life: Economic, social, And subjective indicators, Social Indicators Research 40: 1997 : 189-216



اولین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۳۱ فروردین ۱۴۰۰

Eziyi, O. I. & Amole, D. (2013). Subjective life satisfaction in public housing in urban areas of Ogun State, Nigeria. *Journal of CITIES*, Vol 35, 51-61.

Mc crea, Rod, Tung-Kai Shyy & Robert Stimson (2004), Modelling Urban Quality of Life in South East Queensland by linking subjective and objective indicators, 28th Australian and New Zealand regional Science Association International annual Conference, Wollongong, NSW, 28th September to 1 October.

McGill, R. (1998), Urban Management in Development Countries, Cities, Vol 15, No 6. Scout .Allen Jan, City, Rivers of the world, Translation, pantea Lotfe Kazemy ,thran publication processing and urban planning.

Pacione M., (2003). Urban environmental quality and human wellbeing a social geographical perspective, Landscape and Urban Planning 65, pp. 19–30

Pal, A. K., Kumar, U. C, (2005). Quality of Life Concept for the Evaluation of Societal Development of Rural Community in West Bangal, India, Rural.

Pukeliene, V., & Starkauskiene, V., (2011). Quality of Life concepts, measurement and challenges, SISTEMINIAI TYRIMAI.

Young, Richard D. (2008): Quality of Life Indicator Systems–Definitions, Methodologies, Uses, and Public Policy Decision Making (Internet, Accessed in 14 April 2012).